

نامه محمود فرخ به دکتر مهدی بیانی

(درباره سابقه خوشنویسی پدر و استادش)

در میان کاغذها و دست‌نویس‌های به یادگار مانده از شادروان دکتر مهدی بیانی (۱۲۸۵-۱۷ بهمن ۱۳۴۶)، مقداری اوراق پراکنده وجود دارد که به لحاظ تاریخ خوشنویسی و خوشنویسان ایران در یکی دو سده اخیر حائز کمال اهمیت است.

مرسوم دکتر بیانی در تألیف کتاب احوال و آثار خوشنویسان چنان بود که از آنانی که دست در خوشنویسی داشتند و یا اطلاعی از این رشته هنری داشتند می‌خواست تا گزارشی از خوشنویسان شهر و روستای خود بنویسند و آن را همراه با قطعات خطوط آن ارسال دارند؛ طبعاً اگر آن نوشته با موازین و ملاک و معیارهای در نظر گرفته شده برای کتاب احوال و آثار خوشنویسان منطبق بود، در کتابش وارد می‌کرد و اگر نه به کناری می‌نهاد. از این نوع نوشتجات و خطوط کنارنهاده شده که - ذکر از آنها در کتاب احوال و آثار نرفته و یا بعضاً به اجمال نوشته شده - مقداری نه چندان کم، در دسترس است که به تدریج در این مجله به چاپ خواهد رسید.

از این موارد، دو شرح حال زیر است که شاعر و دانشمند خراسانی شادروان محمود فرخ (۱۳۱۴ق- ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰) نوشته و برای دکتر بیانی ارسال داشته است.

از همسر و فرزندان آن استاد فقید صمیمانه سپاسمدم که این اوراق را به لطف و بزرگواری تمام برای استفاده و نشر در اختیارم نهادند، خاصه از دوستان خویم مهندس آبان بیانی و دکتر منیژه بیانی. منت‌پذیر آنانیم.

نادر م. کاشانی

۳۴ / ۱۲ / ۱۹

قربانت شوم، با تقدیم عرض بندگی مصدع می‌گردد:

چندی قبل عریضه‌ای عرض کرده‌ام که هنوز به جواب آن سرافراز نشده‌ام، ولی این مسئله مانع آن نبود که به وعده حضوری پارسال خود وفا کنم.^۱

قرار بود نمونه‌هایی از خطوط پدرم و استادم تقدیم کنم که کمکی به کلکسیون جنابعالی شده باشد، ولی این کار فرصتی لازم داشت که متأسفانه نداشتم.

قطعات خط آن دو بزرگوار مرقع شده^۲ و بعضی آن در کتابخانه آستان قدس است. آنچه در میان کاغذها جستم از قبیل سیاه مشق بود و برای نمونه کافی است.

شرح حالی هم از هر دو نفر به اجمال نوشتم. زیاده عرضی ندارد. جز اینکه ما یک میرزا ابوالقاسم خوشنویس باشی و مصحح کتابخانه آستان قدس داشتیم که اعجوبه‌ای بود و هفت خط را خوش می‌نوشت. این مرد در حدود چهل سال قبل درگذشت.

جناب آقای مؤید ثابتی مرقعی از خطوط مختلف او دارند که برای پدرشان نوشته است. می‌توان عکس از آن تهیه نمود. چون فعلاً قطعات او بسیار کم پیداست.

قربانت - فرخ

^۱ ظاهراً «نکنم» باید باشد.

^۲ تعدادی از خطوط ایشان در برخی از مرقعات کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است: از محمدحسین شیرازی: قطعه‌ای در مرقع ش ۳۵۰، مورخ ۱۳۰۹ق؛ ۹ قطعه در مرقع ش ۳۵۱؛ ۲ قطعه در مرقع ش ۳۵۲، یکی مورخ ۱۳۲۳ق؛ قطعه‌ای در مرقع ش ۳۵۶ (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. تألیف محمود فاضل. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴: ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳). از احمد حسینی جواهری: یک قطعه مورخ ۱۳۲۳ق و یک تصویر محو و قطعه‌ای قرآن به خط محو در مرقع ش ۳۵۱؛ قطعه‌ای در مرقع ش ۳۶۰ (همان: ۲۲۰، ۲۲۶).

[شرح حال سید احمد جواهری متخلص به «دانا»]

دو ورقه ضمیمه این ورقه از خطوط مرحوم پدرم آقای سید احمد جواهری است متخلص به «دانا» که در دیماه ۱۳۲۵ شمسی در سن هشتاد سال تمام (سال قمری) به رحمت ایزدی پیوست.

سادات جواهری در مشهد قبیله‌ای بودند که آنچه اطلاع داریم هفت نسل به همین نام فامیل (جواهری) معروف بوده‌اند. اکثریت آنها با عواید املاک موروث زندگی می‌کردند و اقلیت کسب و تجارت داشتند. مرحوم آقا سید احمد جواهری بر خلاف تمام فامیل تمام عمر را به تحصیل حکمت (حکمت اشراق) و مطالعه کتب ادبی فارسی و عربی گذراند.

در عین حال و با وجود آنکه به اصطلاح اهل ذوق بود، بسیار زاهد و حتی در دیانت متعصب و در حفظ آداب و رسوم کهنه به قدری مستقیم بود که ضرب‌المثل واقع می‌شد. مثلاً تا مُرد مشروطیت را خلاف شرع اسلام می‌دانست. چون هیچ مسافرت نکرد و هیچ وقت در تمام عمر مریض نشد شاید در تمام مسلمانان بسیار کم‌نظیر باشد که ۶۵ ماه رمضان تمام روزه گرفت. یعنی حتی یکبار هم روزه قضا بر عهده‌اش نبود. علامت سلامت مزاج خود را این می‌دانست که تمام عمر شب روز خوابیده و صبح قبل از سحر بیدار بوده و در تمام عمر بدون یک روز تخلف فاصله بین شام و ناهارش درست ۱۲ ساعت بوده. چون چای و سیگار و دودهای دیگر بدعتی در رسوم قدیم بوده هیچ وقت نه چائی خورد و نه شرب دخان کرد. در بین دو غذا از تنقلات نیز پرهیز داشت. از کارهای قدما آنچه را تقلید نکرد و بدش می‌آمد عمامه بزرگ و ریش دراز بود. لباسش هم برخلاف قدما پاکیزه و مرتب بود (البته عبا و قبا). تا دو سال قبل از مرگ هم ورزش باستانی را (البته در منزل) ادامه می‌داد.

با وجود حافظه کم، بسیار کم اتفاق می‌افتاد که برای حاجت خود یا جواب سئوالی محتاج به مراجعه به کتاب لغت عربی یا فارسی باشد.

سرانجام بدون تحمل درد و رنج بیماری در خواب درگذشت. رحمة الله علیه.



■ نمونه خط نستعلیق سید احمد جواهری (از مجموعه دکتر مهدی بیانی).

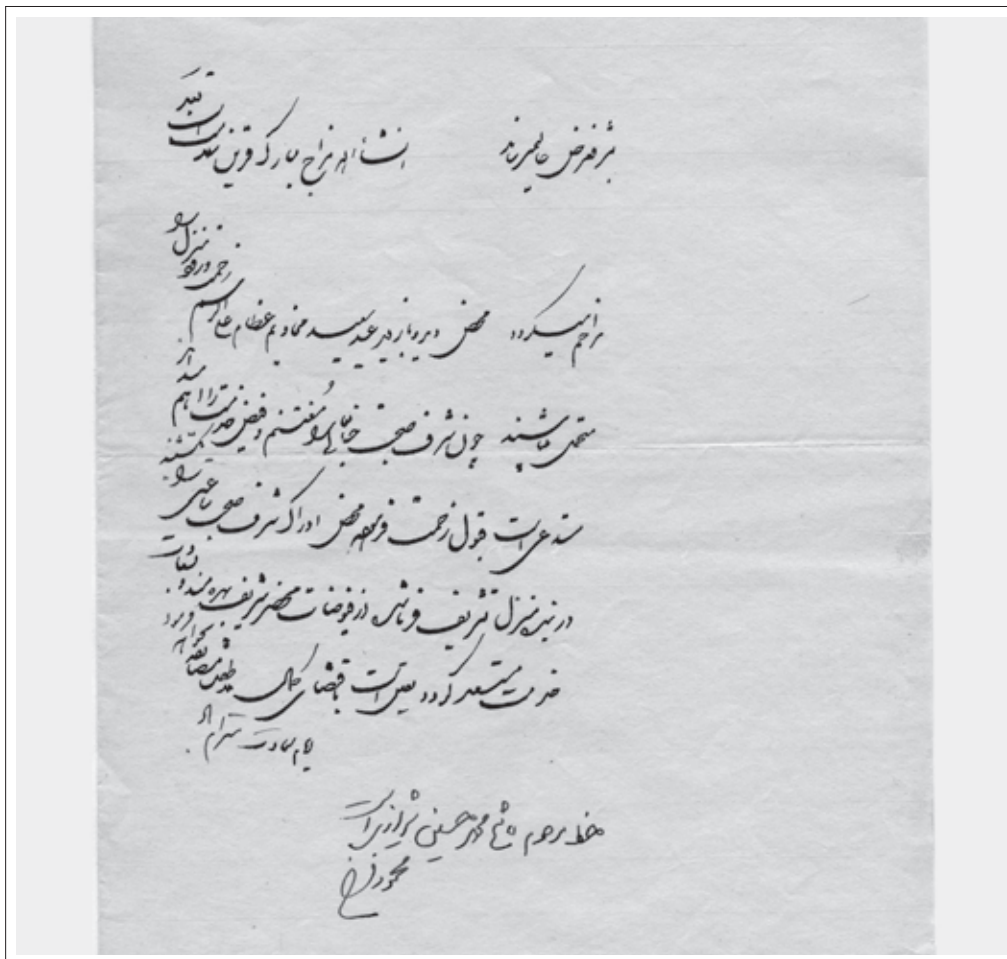


[شرح حال شیخ محمدحسین شیرازی]

دو ورقه ضمیمه از خطوط مرحوم آقا شیخ محمدحسین شیرازی است که در شیراز در یک خانواده روحانی به دنیا آمد و پس از طی مقدمات به عراق عرب برای تکمیل تحصیل رفت و سپس به خراسان آمد و با نیای بنده حاج میرزا حسین جواهری متخلص به «عاجل»^۱ آشنا شد و او را که مردی فاضل و جامع یافت به تعلیم فرزندش (پدر من) گماشت. مدتها بعد به طهران رفت و مرحوم میرزا علیخان صدراعظم... (؟) او را در منزل خود جا داد و به تعلیم فرزندش (واتق السلطنه پدر آقای واتق السلطنه فعلی) گماشت و بعد از مدتی که تقریباً سی سال و اندی بود به خراسان باز آمد و پدرم آن بزرگوار را به تعلیم من و دو خواهرزاده اش (آقایان دانش و علی بزرگنیا) گماشت و ضمناً در یکی از مدارس قدیمه مشهد (که فعلاً خراب و جزو خیابان شده است) مدرّس علوم فقه و اصول و منطق و معانی بیان بود.

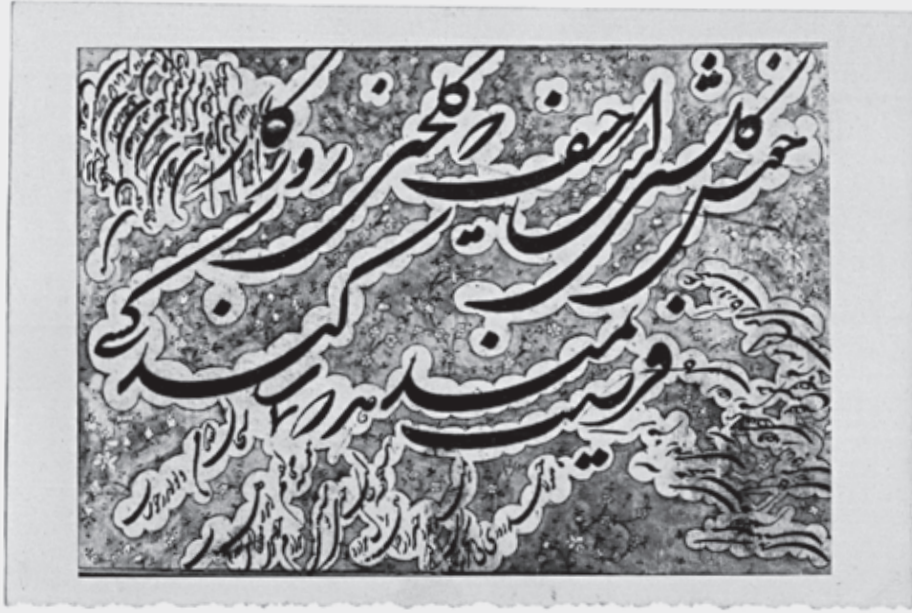
در حدود سنوات ۱۲۹۸ یا ۱۳۰۰ شمسی در سن ۸۵ سالگی درگذشت. در تمام عمر بسیار ساکت و آرام بود. خط شکسته و خط نستعلیق و خط نسخ را به موازات هم خوش می نوشت. دو نمونه ضمیمه از خط شکسته و تحریر اوست.

محمود فرخ

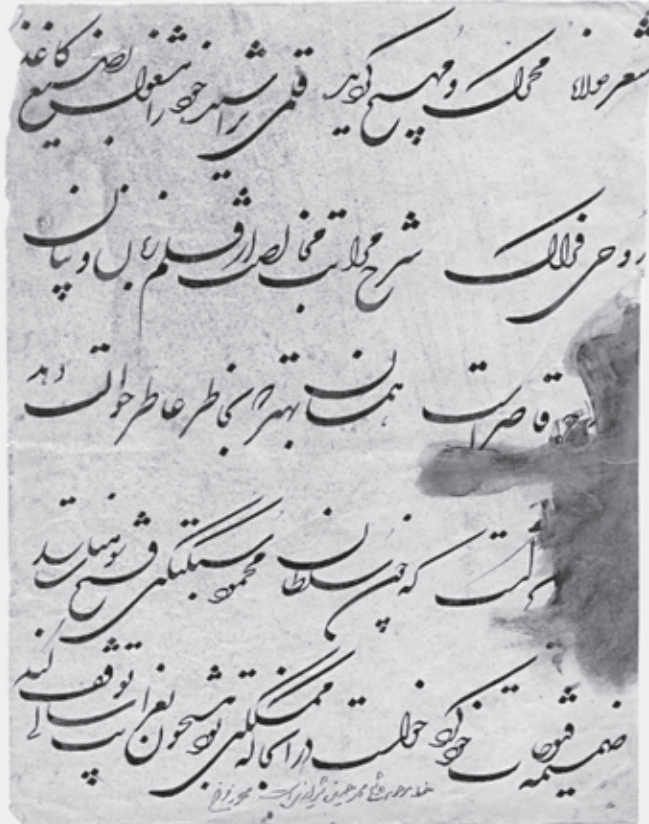


■ نمونه خط شکسته نستعلیق محمدحسین شیرازی (از مجموعه دکتر مهدی بیانی).

^۱ «عاصی» هم خوانده می شود.



نمونه خط شکسته نستعلیق سید احمد جواهری (از مجموعه دکتر مهدی بیانی).



نمونه خط شکسته نستعلیق محمدحسین شیرازی (از مجموعه دکتر مهدی بیانی).